

از فرودگاه تا پارک

ماجرای خواندنی
فرودگاهی که بوستان شد



آدمیزاد زیاد خواه است و حریص و به آنچه دارد قانع نیست که نیست. البته برخی معتقدند همین ویژگی او را صاحب این همه رشد و پیشرفت و مکتد و دارایی کرده. وقتی از غارها و کوه‌ها و جنگل‌ها با پر زمین گذاشت بکھوسرش را بلند کرد و پرندگان را دیدو به آنها هم حسودی کرد، و اینگونه شد که بال‌ها و هوا پیمایا ملخی و بوبینک‌ها و

سیدمروش طباطبایی پور

بالگردها و پهباده‌ها ساخته شد و آدمیزاد را مجبور کرد برای فراز و فرودشان نیز کاشانه‌ای بسازد و اینگونه فرودگاه‌ها متولد شدند! اما قصه فرودگاه و ماجرای آغاز پروازهای طیاره‌ها بر فراز آسمان ایران و تهران نیز شنیدنی است. این روزها ساساگرد تأسیس اداره کل هواپیمایی کشور است و به همین مناسبت قرار است اینجا تاریخ نخستین پروازها بر فراز تهران و نخستین فرودگاه پایتخت را مرور کنیم.



هواپیمای ایران فرود آمد

با فرود ۲ هواپیمای انگلیسی در پرواز بغداد به تهران در هشتم مرداد ۱۳۰۱، از فرودگاه قلعہ مرغی تهران بهره‌برداری شد. در آن زمان فرودگاه قلعہ مرغی تنها یک باند کوتاه و ۱۳ شایانه داشت که مهندسان خارجی آن را ساخته بودند. درست ۳ سال بعد سرهنگ احمد نخجوان نخستین هواپیمای فرانسوی متعلق به ایران را که از پاریس پرواز کرده بود، در فرودگاه قلعہ مرغی نشاند و به این فرودگاه ۲۸۰ هکتاری رونق بخشید. نخجوان ریاست سازمان هواپیمایی کشور را هم در همان ایام به عهده گرفت.

معماری خاص

چندماه بعد یعنی در سال ۱۳۰۵ شمسی، نخستین برج مراقبت فرودگاه قلعہ مرغی هم بنا شد و تا سال ۱۳۲۰ این ساخت‌وسازها ادامه یافت. ساختمان‌های منحصربه‌فرد این فرودگاه را معماری روسی به نام نیکلای مارکوف طراحی کرد و ساخت. از دیگر آثار ارزشمند این معمار شهیر روس می‌توان به ساختمان دبیرستان البرز در چهارراه کالج و ساختمان سینگر در خیابان سعدی اشاره کرد. از جمله دلایل خاص بودن بناهای فرودگاه قلعہ مرغی می‌توان به چوبی بودن برخی آشیانه‌های عریض این فرودگاه اشاره کرد.

فرمان مقاومت

وقایعی که فرودگاه قلعہ مرغی در شهر پور سال ۱۳۲۰ در جریان اشغال ایران به چشم خود دیده، اهمیت این فرودگاه را در تاریخ مقاومت ایران دوچندان کرده است. می‌گویند در روزهایی که ایران تسلیم نیروهای متفقین در جریان جنگ جهانی دوم شده بود، خلبانان غیور این فرودگاه از دستور نیروهای مافوق خود نمرد و تا جایی که توانستند از سرزمین خود دفاع کردند. البته با ورود نیروهای زرهی به فرودگاه قلعہ مرغی مقاومت شکست خورد؛ اما اثرش ماندگار شد.

بوستان ولایت

فرودگاه قلعہ مرغی، پس از ساخته شدن دیگر فرودگاه‌های پایتخت و البته وسیع شدن تهران، کاربری خود را از دست داد و پس از انقلاب به پادگان هوانیروز تبدیل شد. اواخر سال ۱۳۸۹ نیز براساس توافق نیروی زمینی و شهرداری تهران، این یادگان تغییر کاربری داد و به بوستانی بزرگ به نام بوستان ولایت تبدیل شد. این بوستان از سال ۱۳۹۰ به بهره‌برداری رسید.



اولین پرواز در آسمان تهران

مکت

در یکی از آخرین روزهای سال ۱۲۹۲ شمسی تهرانی‌ها برای اولین بار صدای غرش پرندهای آهنین را در آسمان شنیدند که با پرواز در ارتفاعی پایین، توجه همگان را به خود جلب می‌کرد؛ هواپیمایی که در میدان مشق تهران فرود آمد و البته دیگر نتوانست بلند شود. همین ماجرا باعث شد درباریان به فکر تأسیس فرودگاه بیفتند. تا اینکه در تیر سال ۱۳۰۱، کشور انگلستان برای فرود ۴ فروند هواپیمای خود در تهران از دولت ایران خواست جایی را برای نشست و برخاست هواپیمایش در نظر بگیرد. کارشناسان نیز یکی از روستاهای اطراف تهران به نام «قلعه نو» را در نزدیکی بقعه امامزاده حسن (ع) از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) و پسر عموی شاه عبدالعظیم حسنی، برای این کار در نظر گرفتند. می‌گویند به همت زندانیان آن روزهای شهربانی، بخش‌هایی از زمین این روستا برای فرود هواپیمای انگلیسی صاف و سنگ‌بنای نخستین فرودگاه تهران گذاشته شد. می‌گویند چون قرار بود مرغی آهنین در آنجا فرود یابد، آنجا را فرودگاه قلعہ مرغی نامیدند. این با یگانه هوایی البته ابتدا خارج از محدوده تهران قدیم بود؛ اما در دوران معاصر و به خاطر گسترش پایتخت به مرور جزئی از تهران بزرگ شد.



خلبانان غیور این فرودگاه از دستور نیروهای مافوق خود نمرد و تا جایی که توانستند از سرزمین خود دفاع کردند. البته با ورود نیروهای زرهی به فرودگاه قلعہ مرغی مقاومت شکست خورد؛ اما اثرش ماندگار شد

تهران مصور

کوچه جراید



بازار مطبوعات از اواخر دوره قاجار آرام آرام در تهران رونق گرفت و تحریریه‌ها و چاپخانه‌های معدود نشریه‌های آن دوره در محدوده مرکز شهر شروع به کار کردند. در دوره پهلوی اول هم روزنامه‌های پرتیراژی مثل نسیم شمال، آدمیت و آینه افکار محدوده بازار و خیابان ناصر خسرو تا خیابان‌های فردوسی و لاله‌زار را برای فعالیتشان انتخاب کردند و به همین دلیل هویت برخی از کوچه‌ها و خیابان‌های این محدوده جغرافیایی از تاریخچه مطبوعات در تهران عجین است.

سال ۱۳۰۶ شمسی بود که روزنامه اطلاعات در محدوده خیابان ناصر خسرو فعالیت‌شان را شروع کرد. ساختمان اصلی این روزنامه بعدها به خیابان خیام منتقل شد. دفتر روزنامه کیهان هم در خیابان فردوسی بود. دفتر روزنامه لاله‌زار، در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ شمسی به شکل عجیبی در همسایگی چاپخانه نشریات معتبر تهران قرار گرفت و به جایی برای انتقال نشریات به شبک‌های توزیع جراید تبدیل شد. بهار یکی از کوچه‌های فرعی لاله‌زار بود و نام این کوچه فرابت عجیبی با بهار مطبوعات در تهران قدیم داشت. چاپخانه‌های حوالی لاله‌زار روزنامه‌های چاپ‌شده را به کوچه بهار منتقل می‌کردند و توزیع‌کننده‌ها برای بزرگ به نام بوستان ولایت تبدیل شدند. به خاطر همین رفت‌وآمدها نام کوچه بهار به کوچه توزیع جراید تغییر کرد.



سوژه روز

انتقال میدان سستی میوه و تره بار، نجات تهران از یک مصیبت است



تولد دوباره بازار میوه و تره بار تهران

۳۰ سال پیش در چنین روزی، گزارشی از انتقال بازار میوه و تره بار سستی تهران به محدوده حاشیه شهر و مراسم افتتاح بازار جدید و مدرن میوه و تره بار در صفحه یک و ۳ روزنامه همشهری منتشر شده. در این گزارش آمده که ای‌تاله هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت ایران، این اقدام را به پایتخت‌نشینان تبریک گفته و محاسن این انتقال را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده است. حالا و بعد از ۳۰ سال، مثل روز روشن است که چنین انتقالی، برای شهر ضروری بوده و به‌قول تیتو گزارشگر، با این اقدام تهران از یک مصیبت بزرگ نجات یافته است. اما اقدام مهم دیگری که در این سال‌ها هم به آن توجه شده، ساخت میدان میوه و تره بار محلی و کوچک در سطح شهر است؛ میدانی که در دسترس شهروندان در هر محله است و میوه و تره بار تازه، آن هم با قیمتی مناسب را برای مردم فراهم می‌کند. به نیست بدانید در حال حاضر، ۲۲ میدان و ۲۱ بازار محلی در سطح شهر تهران در قالب بازار میوه و تره بار محلی فعال هستند و به شهروندان خدمات ارائه می‌کنند.

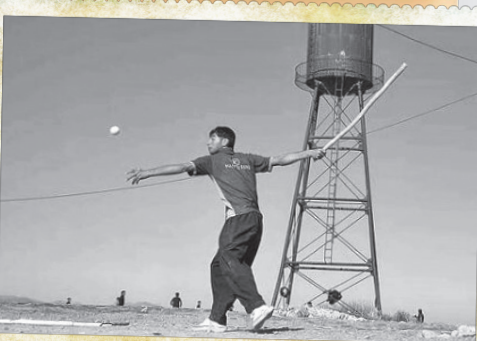
تهرانگرام

چینی بند زن اومده



چینی‌بند زنی یکی از مشاغل نوستالژیک و فراموش شده تهران است. این حرفه در روزگاری که چیزی می شکست و خراب می شد و به جای دور انداختن، تعمیرش می کردند حسابی پر طرفدار بود. ایسن روزها دیگر خبری از چینی‌بند زن‌های دوره گرد نیست. قدیم‌ها معمولاً ظروف پر کاربرد خانه مانند کاسه، بشقاب و قوری از جنس چینی بود و به ضربه‌ای ترک می خورد یا می شکست. چینی‌بند زن‌های دوره گرد پایتخت با صدای بلند در کوچه‌ها می خواندند: «چینی بند زن اومده.. برگ گل هم بند می زنم!» خانم‌های خانه هم با شنیدن شاعرانگی همین جمله آخر هر چه کاسه و بشقاب شکسته و ترک خورده کنج انباری و صندوقانه داشتند جمع می کردند و راهی کوچه می شدند. بچه‌ها همه سعی می کردند کنار چینی‌بند زن بنشینند که ببینند حاصل خرابکاری‌شان چطور ماهرانه کنار هم بند می خورد. هنر تعمیر و کنار هم چین تکه‌های شکسته با ظریف کاری بر عهده چینی‌بند زن‌ها بود تا به کمک ابزار ویژه صاحبان این شغل که چیزی نبود جز تسمه فلزی و چسب و مته، تکه‌های شکسته بار دیگر کنار هم قرار گیرد و باعث خوشحالی خانم خانه شود. آنها پس از ترمیم هریک از ظروف مقصداری گردو، بسادام، گندم یا پول دریافت می کردند. چینی‌بند زن‌ها در محل‌های خاصی برای مدت معینی اقامت می کردند تا کارشان را انجام دهند.

تهران نامه



بیسبال یا توپ کال

توپ کال برای اهالی منطقه رودبار قصران و به‌ویژه میگوون و زایگان یادآور خاطرات خوش دوران کودکی است. توپ کال یا یک چوب‌دستی و توپ و در زمینی نسبتاً وسیع بازی می‌شد. توپ را با پارچه درست می‌کردند که البته بعدها توپ تنیس جایگزین آن شد. این بازی تا اندازه‌ای به بیسبال شباهت دارد. از نقطه‌ای که توپ پرتاب می‌شود تا حدود ۷۰ متر دورتر محلی را با خط نشان می‌کنند. یکی از بازیکن‌ها که در نیم‌متری زنده توپ ایستاده، توپ را با دست پرتاب می‌کند تا او بتواند با چوب به توپ ضربه بزند. بازیکن پس از زدن توپ به سمت محلی تعیین شده به نام «هره» می‌دود و به‌سرعت به محل زدن ضربه برمی‌گردد. افراد تیم مقابل اگر توپ را گرفتند، باید با توپ شخص ضربه زنده را نشانه بگیرند. اگر توپ به او برخورد کرد، تیم او بازنده می‌شود و نوبت به تیم مقابل می‌رسد تا به توپ ضربه بزند. اگر قدرت ضربه چندان زیاد نباشد و بازیکن‌های تیم حریف توپ را در هوا بگیرند، برنده می‌شوند.

